

کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون (Capitulation) از کلمه **capitulate** و به معنای شرط گذاشتن و

در لغت به معنای سازش و تسلیم است و برقراردادهایی اطلاق می شود که به موجب آن اتباع یک دولت در قلمرو دیگر مشمول قوانین کشور خود می شوند و آن قوانین توسط کنسول آن دولت در محل اجرا می شود. به همین جهت در فارسی به آن «حق قضاوت کنسولی» می گویند. این قراردادها اغلب میان دولتهای اروپایی با دولتهای آسیایی و آفریقایی بسته می شدند چرا که از نظر اروپاییان داد گاهها و مؤسسات قضایی این کشورها قادر به حمایت کافی از اتباع خود نبودند. سابقه کاپیتولاسیون در ایران به شکست ایران از روسیه و تحمیل پیمان ترکمانچای بر می گردد پس از انقلاب ۱۹۱۷م روسیه و پیمان دوستی ایران و شوروی (۱۹۲۱م) مفاد مربوط به کاپیتولاسیون لغو گردید.

لایحه کاپیتولاسیون: بدنبال ارائه لایحه ای توسط نخست وزیر وقت **حسنعلی منصور** در

مهرماه ۱۳۴۳ قانونی از مجلس شورای ملی گذشت که براساس آن به امریکایی ها امتیازات ویژه ای می داد. کاپیتولاسیون با ضمیمه ماده واحده معنایش این بود که مستشاران نظامی آمریکا با تمام اعضاء و هیئات و خانواده ها و کارمندانشان در ایران مصونیت دارند. من باب مثال اگر یک فرد آمریکائی در ایران مرتکب جنایتی می شد، محاکم و دولت ایران حق تعقیب او را نداشتند. این بعهده خود آمریکائی ها بود که فرد خاطی را محاکمه یا اینکه مجازات کنند، آنهم نه در ایران و بر اساس قوانین ایران بلکه در

خود آمریکا و بر اساس قوانین خودشان. در واقع این وزارت دفاع آمریکا بود که ایران را برای بستن چنین قراردادی تحت فشار گذاشته بود.

اما این قانون خشم و غضب بسیاری از روحانیون و مراجع تقلید از جمله آیت الله خمینی را در همان زمان برانگیخت. که ظاهراً پایه اختلاف و تضاد شاه و روحانیون سنتی گردید. آیت الله خمینی طی یک

سخنرانی عنوان کرد: «قانون در مجلس بردند که [...] اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارد محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا اربابها تکلیف را معین کنند!» در واقع اعتراض به قانون کاپیتولاسیون بود که موجب تبعید آیت الله خمینی از ایران شد.

اعتراض افشاگرانه امام خمینی (ره) علیه تصویب قانون کاپیتولاسیون

در تاریخ معاصر ایران، قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) مسئله ای اساسی است. نفوذ بیگانگان بیشتر از همین طریق بوده و از این راه، تحمیل عمال و کارگزاران بیگانه و به دنبال آن جنایات فجیعی در این سرزمین انجام گرفت. قوانین جزایی که باید مظهر حاکمیت دولت باشد، بصورت بازیچه ای درآمد و هر متجاوز می توانست به سادگی آن را کنار زده، خود را تحت حمایت قدرتهای خارجی قرار دهد.

رژیم شاه که به خوبی می دانست بازتاب عمومی این لایحه ننگین تا چه حد خطرناک خواهد بود، سانسور شدیدی بر رسانه های گروهی حاکم کرد تا هیچگونه خبری در مورد لایحه کاپیتولاسیون به بیرون درز پیدا نکند. ولی چند روزی از تصویب این لایحه نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورای ملی که متن کامل مذاکرات مجلس را در برداشت بدست امام خمینی (ره) رسید.

امام خمینی (ره) به منظور افشای این خیانت تصمیم گرفتند که طی ایراد نطقی، این عمل رژیم شاه را به اطلاع عموم برسانند. قبل از هر چیز، ایشان برای آگاه ساختن علما و روحانیون مرکز و شهرستانها، پیک هایی همراه با نامه به اطراف و اکناف کشور روانه نمودند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشستند. به تدریج تعداد کثیری از مردم ایران وارد قم شدند، تا خود شاهد این سخنرانی باشند.

رژیم شاه که از برنامه سخنرانی حضرت امام (ره) اطلاع پیدا کرده بود، برای جلوگیری از این سخنرانی نماینده ای به قم اعزام داشت. این فرد نتوانست به دیدار امام خمینی (ره)

نایل گردد، ولی در دیداری با فرزند امام، حاج آقا مصطفی خمینی، این پیام را برای حضرت امام (ره) فرستاد:

(..... آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت می کند و پول می ریزد و از نظر قدرت در موقعیتی است که هرگونه حمله به آن، به مراتب

خطرناکتر از حمله به شخص اول مملکت است! آیت الله خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی ایراد کنند باید خیلی مواظب باشند که به دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد. دیگر هر چه بگویند حتی حمله به شاه چندان مهم نیست.

این تهدیدات کوچکترین اثری در عزم راسخ حضرت امام (ره)، نداشت و ایشان در روز ۴ آبان ۱۳۴۳، سخنرانی بسیار آتشین، کوبنده و افشاگرانه به عمل آوردند و مردم ایران را از جزئیات این خیانت مطلع ساختند.

حضرت امام خمینی (ره) این سخنرانی را علاوه بر اینکه در روز تولد حضرت فاطمه زهرا (س) ایراد فرمودند، سخنان خود را با آیه استرجاع (انا لله و انا الیه راجعون) شروع نمودند و طی آن شدیدترین حملات را مستقیماً علیه آمریکا و شاه وارد نمودند. جیمزبیل، محقق آمریکایی، در مورد این سخنرانی چنین می گوید: (این سخنرانی پرشور او، یکی از مهمترین و تحریک کننده ترین بیانات سیاسی ایراد شده در ایران در این قرن می باشد.

حضرت امام خمینی (ره) در این سخنرانی با کمال قدرت و بطور مستقیم، شاه و آمریکا را به دلیل تلاش برای نابود کردن یکپارچگی و استقلال ایران مورد حمله قرار داد.

حضرت امام خمینی (ره) در بخشهایی از سخنرانی خود چنین فرمودند: (قانون در مجلس بردند، در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین

که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندیهای فنی شان، با کارمندان اداریشان، با خدمه شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند؛ اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور

کند، زیرا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارد محاکمه کنند! بازپرسی کنند! باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا اربابها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این

تصویب نامه را در چند روز پیش از این، برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود، مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد. در این چند روز این تصویب نامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبتهایی کردند، مخالفتهایی شد، بعضی از وکلا هم مخالفتهایی کردند، صحبتهایی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند، دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از

سگهای آمریکا پست تر کردند. اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست از او میکنند، اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی، شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد چرا؟ برای اینکه می خواستند وام بگیرند از آمریکا. آمریکا گفت این کار باید بشود (لابد اینجور است) بعد از

سه چهار روزه وام دویست میلیون دلاری تقاضا کردند ایران خودش را فروخت
برای این دلارها ما را جزو دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست تر از
وحشها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام ۲۰۰ میلیون که ۳۰۰ میلیون پس بدهند. نظامیان
آمریکایی، مستشاران نظامی آمریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا اگر این مملکت اشغال
آمریکاست پس چرا اینقدر غریبه می کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می زنید؟ اگر
این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می کنید؟ پس چرا از شاه
بالاترشان می کنید. اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید. اگر کارمند شما
هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما
اشغال آمریکاییست پس بگویید ما زیر چکمه آمریکا برویم چون ملت ضعیفی
هستیم؟! چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از
هر دو بدتر، همه از هم بدتر، همه از هم پلیدتر اما امروز سرو کارما با این خبیث هاست، با
آمریکاست. رئیس جمهور آمریکا بداند، بداند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست
پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما.

باید هیاهو کنید، باید بریزید وسط مجلس، به هم باید بپريد که نگذرد این مطلب، به
صرف اینکه من مخالفم درست می شود؟! دیدید که می گذرد، پس نگذارید یک همچو
مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانون را که در مجلس واقع شد،

قانون نمی دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی دانیم. ما این دولت را دولت نمی دانیم، اینها خائنند به مملکت ایران، خائنند).

امام خمینی (ره) به ایراد سخنرانی اکتفا نکردند و در همان روز، اعلامیه ای روشن و غنی نیز علیه احیای کاپیتولاسیون صادر کردند. در بخشی از این اعلامیه که با آیه (نفی سبیل) (لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا) شروع شده بود، چنین آمده است: (آیا ملت ایران می داند در این روزها در مجلس چه می گذشت؟ می داند بدون اطلاع ملت و به طور قاچاق چه جنایتی واقع شد؟ می داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضا کرد؟ اقرار به مستعمره بودن ایران نمود؟ سند وحشی بودن ملت مسلمان را به آمریکا داد، قلم سیاه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما، قلم سرخ کشید بر تمام لاف و گزافهای چندین ساله سران قوم، ایران را از عقب افتاده ترین ممالک دنیا پست تر کرد؟ اهانت به ارتش محترم ایران و صاحب منصبان و درجه داران نمود؟ حیثیت دادگاه های ایران را پایمال کرد؟ به ننگین ترین تصویب نامه

دولت سابق با پیشنهاد دولت حاضر بدون اطلاع ملت رای مثبت داد؟ ملت ایران را در تحت اسارت آمریکایی ها قرار داد؟ اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر جنایتی بکنند، هر خیانتی بکنند؟ پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارد، چرا؟ برای آنکه آمریکا مملکت دلار است و دولت ایران محتاج به دلار. امروز که دولتهای مستعمره یکی پس از

دیگری با شهامت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می کنند و زنجیرهای اسارت را پاره می کنند، مجلس مرفعی ایران با ادعای سابقه تمدن دو هزار و پانصد ساله، با لاف هم ردیف بودن با ممالک مترقیه، به ننگین ترین و موهن ترین تصویب نامه غلط دولتهای بی حیثیت رای می دهد و ملت شریف ایران را پست ترین و عقب افتاده ترین ملل به عالم معرفی می کند و با سرافرازی هرچه تمامتر، دولت از تصویب غلط دفاع می کند و مجلس رای می دهد. از برخی منابع مطلع به من اطلاع دادند که این طرح مفتضح را به

دولت پاکستان، اندونزی، ترکیه، آلمان غربی پیشنهاد کرده اند و هیچکدام زیر بار این اسارت نرفته اند، تنها دولت ایران است که اینقدر با حیثیت ملت و اسلامیت ما بازی می کند و آن را به باد فنا می دهد..... آمریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می کند تصویب و اجرا کنند. آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشیگری و بدتر از آن می نماید).

منبع: خیرگزاری جمهوری اسلامی

<http://fa.wikipedia.org>